

معرفی کتاب: جدال با مدعی

سجاد آقایی؛ طلبه سطح یک حوزه علمیه

اشاره:

حسین غفاری، یکی از شاگردان برجسته شهید مطهری (ره) در مباحث فلسفی است. او که مدرک دکترای فلسفه غرب خویش را از دانشگاه تهران کسب نموده است، اکنون نیز دانشیار گروه فلسفه در همین دانشگاه است. «جدال با مدعی» نوشته حسین غفاری، کتابی با موضوع عقلانیت، فلسفه، عرفان و رابطه این مباحث با قرآن کریم، بیانات معصومین (علیهم السلام) و معارف اسلامی است. این کتاب 368 صفحه‌ای محصول سه مباحثه و مصاحبه چند ساعته بین حسین غفاری و سردبیر نشریه مخالف فلسفه و عرفان، «سمات» می‌باشد که توسط مؤسسه انتشارات حکمت، در سال جاری چاپ گردیده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی مختصری از کتاب مذکور است.

حسین غفاری در مقدمه این کتاب با معرفی نسبتاً تفصیلی جریانات ضد فلسفه و بررسی اجمالی معتقدات سوفسطاییان، اصحاب کشف و شهود، امپریست‌ها، نص گرایان و پیروان مذاهب وحیانی (تئولوگ‌ها)، جریان ضد فلسفی را در هر یک از این بسترها به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهد؛ وی همچنین با بیان محدوده فرهنگی اهل سنت به عنوان خاستگاه جریان های ضد فلسفی، با اشاره به خطبه‌ها و معارف والای نهج‌البلاغه، احادیث معصومین (علیهم السلام) و آثار علمای بزرگ، از تشیع با عنوان سرزمین حکمت و معنویت، یاد میکند. ایشان با اشاره به جریان اخباری‌گرمجاهدتهای علامه وحید بهبهانی و دیگر علما، تشیع را مکتب جامعی از معنویت، عدالت و حکمت معرفی نموده و اهل بیت (علیهم السلام) را نمونه بارز این جامعیت عنوان می‌کند و این خط سیر را در انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) به عنوان تابع و پیرو این مکتب، یادآور میشود. او در ادامه، به بیان تفاوت های مخالف و جریانی که امروز تحت فعالیت های سازماندهی شده به فعالیت علیه فلسفه می‌پردازند، اشاره مینماید.

این مصاحبه در ادامه، ذیل سه عنوان پیگیری می‌شود؛ در قسمت اول، مصاحبه کننده به انحای مختلف می‌کوشد تا از وی مَهر تأییدی بر حرفهای خود بگیرد که فلسفه یونان از آن رو که در زمان بنی عباس به عربی ترجمه شده به خاطر دکان گشایی در برابر حقیقت و سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام) و در جهت خنثی کردن آنان است؛ اما غفاری علاوه بر تأیید این مطلب که ممکن است عباسیان با انگیزه خانه نشین کردن اهل بیت (علیهم السلام) این کار را کرده باشند، می‌گوید این سخن دلیل بر این مطلب نمی‌شود که محتوای فلسفه محتوای غلطی باشد. غفاری در ادامه با بیان اینکه حضور همه حق نزد اهل بیت (علیهم السلام) دلیل بر عدم حضور مقداری از آن نزد دیگران نیست و با اشاره به احادیثی که طلب علم را از اهل ضلال نیز دستور داده‌اند، به سؤالات مصاحبه کننده پاسخ میدهد. دکتر غفاری همچنین در ادامه مباحث، پس از اشاره به خاستگاه بیرونی فلسفه یعنی یونان، با اشاره به خاستگاه درونی فلسفه در منابع و متون اسلامی از جمله نهج البلاغه و روایات موجود از امامان دیگر با اشاره به این مدعا که فلسفه یونان نیز سخنانی مانند سخنان اسلام دارد و مؤید کلام دین ماست، مباحثی را در مورد الهی بودن فلسفه ارسطو و افلاطون، معاد و توحید در فلسفه و موضوعاتی از این قبیل، مطرح مینماید.

در قسمت دوم، سمات با پرسش از علت رجوع به فلسفه، در حالیکه قبول داریم همه معارف نزد ائمه اطهار (علیهم السلام) است، مصاحبه را پی می‌گیرد؛ که غفاری در جواب او می‌گوید: «ما نباید از فلسفه بترسیم و گمان کنیم فلسفه چیز عجیب و غریبی است و مجموعه‌ای از مطالب پیچیده مثل طلسمات یونانی و چینی است، نه اینطور نیست.» (غفاری، 1391: ص 118)؛ او در ادامه، با بیان رسالت فلسفه در فهم حقایق هستی، ضرورت به کارگیری عقل برای فهم معارف توحیدی قرآن و عترت را بیان نموده و از این رهگذر به سؤالات سمات پاسخ می‌دهد.

سمات در بخش سوم که بخش پایانی نیز هست، سخن را از فلسفه به وادی عرفان میکشاند؛ در این بخش مصاحبه کننده با بیان عبارات و نسبتهایی به علماء و در رأس آنان محی الدین عربی، شخصیت و افکار او را تخطئه نموده و سؤالاتی را با غفاری در میان میگذارد. غفاری نیز با دقت و نگرشی ترتیبمند به همه سؤالات او پاسخ می‌دهد.

مصاحبه در این قسمت، کمی از فضای علمی فاصله گرفته و رنگ و بوی جدلی مییابد. مصاحبه کننده با سؤالات و نسبت هایی که به برخی از علماء منتسب میکند، کار را به جایی میرساند که غفاری او را اینگونه مورد انتقاد قرار میدهد: «اینطور نیست. نقل هایی که شما میکنید واقعاً جفا است. نقل قطعی علامه که من از مرحوم مطهری شنیدم و در آثار قلمی ایشان نیز هست، غیر این است. انسان باید آزاده باشد...» (همان: ص. 216)

غفاری در این کتاب علاوه بر رعایت ادب و متانتی که در جای جای این مصاحبه قابل مشاهده است با تکیه بر روشی منطقی و اصول محور و با رعایت نظم فکری، ثبات گفتاری و ترتیب مندی در برابر ادبیاتی که بعضاً به وضوح صیغه جدالی میگیرد، به صحبت میپردازد. البته خود او نیز در برخی مواضع دچار مجادله های کوچکی شده که شاید به اقتضای حال از آن ناگزیر بوده است؛ علاوه بر این، گاهی در سخنان مصاحبه کننده، برخورد گزینشی، تکرار مکررات و پافشاری بر مسایلی که غفاری به تبیین آنها پرداخته است نیز دیده می‌شود. به نظر میرسد این رفتارها برآمده از ناآگاهی هایی باشد که فرد، در قامت مصاحبه کننده به آن دچار است. سمات در بخشی از سخنانش که در مورد مخالفت برخی علما با جریان فلسفه است میگوید: «حتی کسی مثل مرحوم خواجه نصیر، بر خلاف آنچه فلاسفه سعی می‌کنند او

را یک فیلسوف معرفی کنند، صبغه کلامی او کاملاً غالب است و به همین خاطر علّامه‌حلی به شرح کتاب تجرید الاعتقاد خواجه می‌پردازد.» (همان: ص 336)؛ غفاری در پاسخ به این قسمت از سخنان او پس از بیان این نکته که تعداد افرادی که به فلسفه گرویده‌اند یا مخالفت کرده‌اند، امر مهمی نیست، می‌گوید: «مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی را جزء متکلمین دانستن و از مخالفین فلسفه محسوب کردن واقعاً خنده آور است! چه باید گفت جز اینکه گوینده کوچکترین آشنایی با جناب خواجه که یکی از بزرگترین حکمای دوره اسلامی است ندارد.» (همان: ص 337)؛ او سپس در ادامه به بیان کتب و شخصیت فلسفی خواجه می‌پردازد. همچنین غفاری در این فرازا به سخنان نماینده سمات، مبنی بر فلسفی نبودن شیخ بهایی و مرحوم فیض نیز پاسخ می‌دهد.

این کتاب که در قطع رقعی و با تیراژ 2000 جلد به چاپ رسیده، با قیمت 000/10 تومان در فروشگاههای کتاب قابل تهیه است.